

معرفی کتاب «از عدالت‌خانه تا مشورت‌خانه»

۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳:۲۶

واقعۀ به توپ بستن مجلس منجر به قرار گرفتن علما در برابر محمدعلی شاه شد. غیائی در بررسی محتوای تلگراف‌های علما معتقد است: «از این ایام به بعد، علمای نجف طی یک سری اقدامات عملی تلاش می‌کنند تا با ارسال پیام‌ها و تلگرافات گوناگون به سطوح مختلف مردم در مقاطع متفاوت زمانی، هدایت حرکت عامه علیه شاه و درباریان را سامان دهند.

دوم تیرماه برابر با سالروز به توپ بستن مجلس شورای ملی از سوی لیاخوف روسی و به دستور محمدعلی شاه قاجار است. با نگاهی به کتاب «از عدالت‌خانه تا مشورت‌خانه» تالیف فاطمه غیائی به بیان جزئیاتی از تاثیر این حادثه در روند مشروطه پرداختیم.

تعارضات و اختلافات فکری در صحنه عمل سیاسی

مؤلف در کتاب «از عدالت‌خانه تا مشورت‌خانه» در نگاه نخست به تاثیر رویداد به توپ بستن مجلس پرداخته و نقش این حادثه را این‌گونه بیان کرده است: «واقعۀ به توپ بستن مجلس به فاجعه باغشاه و آغاز دوره استبداد صغیر انجامید. این رخداد باعث شد علاوه بر اینکه مشروعه‌خواهان در فضایی رادیکال‌تر به نفی آشکارتر مشروطیت می‌پرداختند، حکم به حرمت آن کرده و به نگارش رسائل متعددی در تبیین اندیشه‌های خود در باب سیاست و مشروطه دست بزنند. انتشار این رسالات که از دوران بست‌نشینی مشروعه‌خواهان در زاویه مقدمه آغاز گشته بود، در دوره استبداد صغیر افزایش چشمگیری داشت.

به نظر می‌رسد تعدد نشر اینگونه رسائل، به نوعی بازتاب ضرورت تبیین این اندیشه‌ها نزد افکار عمومی بوده است همانگونه که فضای اجتماعی برای مشروطه‌طلبان چاپ و توزیع رسائلی دیگر در تبیین و تفسیر شرعی آراء مشروطه‌خواهی را ایجاب می‌کرد. لذا تعارضات و اختلافات فکری در صحنه عمل سیاسی، که به تعارض تمام عیار بین دو جناح از علما بدل گردیده و به صدور احکام متعارض (در حد ارتداد) و یا محاربه در باب مشروطیت و مشروعه‌خواهی انجامیده بود، اکنون در متن جامعه به شکل توزیع دو دسته کتاب و رساله نمایان می‌شد.» (ص ۲۸۷)

حرکت مستبدانه محمدعلی شاه باعث بروز اختلافات میان موافقان و مخالفان مشروطه شد. به طوری که این اختلاف باعث تحولاتی در حوزه اندیشه شیعه شد. در رابطه با چگونگی تاثیر حرکت مستبدانه شاه قجر بر رفتار علمای آمده است: «بنابراین و

اگرچه تفاوت موضع‌گیری‌های اجتماعی مجتهدان شیعی مسبوق به سابقه بوده و بعد از وقایع مشروطیت نیز تکرار می‌گردد، اما هیچ‌یک به گستردگی و شدت اختلاف آنان در دوران مورد بحث نبوده است. شدت این اختلاف‌ها تا بدانجا بود که مخالفان، سعی در مشروطه شدن را موجب ارتداد دانسته و متقابلاً عالمان طرفدار مشروطه، مخالفت با مشروطه را در حکم محاربه به امام عصر (عج) بیان می‌کردند.

مسلم است که اندیشه و اجتهاد دینی در رویکرد سیاسی فقهای این دوران مؤثر بوده، اما علت مهم ناهمگونی آنان در دو حوزه عمل و اندیشه، تنها اختلاف و دیدگاه متفاوت هر یک از آنان در شناخت مسائل اجتماعی نیست (تعیین مصادیق)، بلکه میزان تأثیر و تأثر متقابل اندیشه دینی و عمل سیاسی است که برآیند متفاوتی را در صحنه حوادث تاریخی رقم می‌زده است. به بیان دیگر، اندیشه سیاسی شیعه در تعامل با تحولات محیطی دستخوش تحول گشته و نوعی نوآوری در حوزه اندیشه و عمل را ایجاد نموده است.» (ص ۲۸۸)

رفتار مستبدانه با مشروطه‌خواهان منجر به حرکت درآمدن مردم شهرهای مختلف در حمایت از مشروطه شد. درباره حمایت فراگیر مردم از مشروطه می‌خوانیم: «اما در حوزه اجتماع، واقعه به توپ بستن مجلس، به تعطیلی مجلس و آغاز دوره استبداد صغیر منجر شد؛ بهبهانی و طباطبائی از تهران تبعید و جمعی از روشنفکران و روحانیون در باغشاه اعدام شدند. در فقدان رهبری در جناح مشروطه‌خواه، فعال شدن مراجع ثلاثه نجف در رهبری مشروطه، مهم‌ترین رخداد این مرحله به حساب می‌آید. این تحول در رهبری نهضت، باعث شد تا همه توده‌های مردم در تمامی نقاط کشور به صورتی کاملاً فراگیر به حمایت از مشروطه برخیزند؛ و قیام‌های گسترده در اکثر شهرهای بزرگ کشور، در عمل، حکومت را با ناتوانی در سرکوب و یا کنترل آنها مواجه سازد.» (ص ۲۸۸)

اعتراض علما به وجود نیروی نظامی بیگانه در ایران

همراه شدن روس‌ها در سرکوبی مشروطه‌خواهان باعث اعتراض علما شد و آنها را به حمایت از مشروطه و مخالفت با شاه قرار داد. مولف درباره همراه شدن علما در مبارزه با محمدعلی شاه می‌نویسد: «در حقیقت اقدامات مستبدانه محمدعلی شاه با همکاری روس‌های تزاری، علما را در فقدان رهبران اولیه وادار به یک سری اقدامات قلمی و عملی بسیار مؤثر می‌کرد. در واقع علما بر ضد محمدعلی شاه و متحدین بیگانه او برخاستند زیرا آنان را در دشمن اسلام و مسلمین به شمار می‌آوردند؛ به خصوص همدستی سربازان روسی در فاجعه به توپ بستن مجلس، که آنان را در موضع سخت‌تری قرار می‌داد. آنان شاه را در خدمت کافران (روس‌ها) می‌دیدند؛ لذا آنچه که بیش از پایمال شدن اصول دموکراسی (بستن مجلس و تعطیلی مشروطیت) مورد توجه آنان قرار داشت، از میان بردن یک مستبد و غیراسلامی و راندن سربازان کافر از سرزمین اسلامی ایران بود.

با این انگیزه، علما با رهبری خود به مبارزات مردم ایران سامان می‌دادند؛ اگرچه در این مرحله، مبارزه علیه محمدعلی شاه محدود به علمای مشروطه‌خواه مقیم عراق نبود (چرا که این بار مساله مبارزه علیه شاه‌ی است که با حمایت و همکاری نیروی نظامی

خارجی، به کشتار مسلمین می‌پردازد) و علما و شخصیت‌های روحانی که تا آن زمان با مشروطه‌خواهان همگامی نشان نداده بودند، اکنون بر ضد سیاست محمد علی‌شاه قیام می‌کردند. حتی سید کاظم یزدی که همواره به دوری از سیاست تلاش داشت، ولی عملاً فعالیت‌های حاج شیخ فضل‌الله و جناح او را تأیید می‌کرد، نیز بر ضد وجود نیروی نظامی بیگانه در ایران اعتراض کرده و طی تلگرافی به شاه از اشغال نظامی خاک ایران بوسیله ارتش بیگانه ابراز نگرانی می‌کند.» (ص ۲۸۹)

واقعه به توپ بستن مجلس منجر به قرار گرفتن علما در برابر محمدعلی شاه شد. غیائی در بررسی محتوای تلگراف‌های علما معتقد است: «از این ایام به بعد، علمای نجف طی یک سری اقدامات عملی تلاش می‌کنند تا با ارسال پیام‌ها و تلگرافات گوناگون به سطوح مختلف مردم در مقاطع متفاوت زمانی، هدایت حرکت عامه علیه شاه و درباریان را سامان دهند. در این راستا و با بررسی محتوای تلگرافاتی که بعد از واقعه انحلال مجلس از طرف آنان به تهران و یا سایر بلاد ارسال شده است، تا حدودی می‌توان نقطه نظرات تئوریک و اندیشه‌ای علما که به گونه‌ای، بازتاب عمل سیاسی بر مبنای اندیشه دینی آنان است را دریافت.» (ص ۲۸۹)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۰۷۷/خانه-مشورت-خانه-عدالت-کتاب-معرفی/>